

۶. مطالعه کتاب مقدس در باب جنگ روحانی: غلبه بر نقشه‌ها و فریب شیطان

لینک ویدیوی یوتیوب: <https://youtu.be/D1U0ZWzeWiE>

استراتژی فریب در جنگ روحانی

در این ششمین مطالعه در مورد جنگ روحانی، ما در حال یادگیری چگونگی غلبه بر ستم شیطانی از طریق درک نقشه‌های شیطان و مراحل حمله روحانی هستیم. بیایید با بررسی تاکتیک اصلی دشمن شروع کنیم. این شامل نحوه تعامل او با بشریت در ابتدا و چگونگی ادامه وسوسه و گمراه کردن مردم توسط او است. عنصر کلیدی، فریب است. فریب ابزاری قدرتمند است که دشمن به کار می‌برد؛ حتی می‌توان آن را اساس استراتژی‌های او دانست. شیطان در فریب دادن استاد است و بزرگترین فریب او به صورت جهانی در حال اجراست و هم جهان و هم کلیسا را فریب می‌دهد. کتاب مقدس می‌گوید که او «...شیطان، کسی که تمام جهان را گمراه می‌کند» (مکاشفه ۳: ۲۰، NKJV).

فرهنگ لغت کمبریج فریب دادن را این‌گونه تعریف می‌کند: «قانع کردن کسی که چیزی نادرست حقیقت است یا پنهان کردن حقیقت از کسی برای منافع خود.» مشکل فریب خوردن این است که مردم از این فریب بی‌خبر می‌مانند! به هر حال، کسانی که در تاریکی هستند نمی‌توانند ببینند! عیسی هشدار داد که دجال با ادعای مسیح بودن، بسیاری را فریب خواهد داد (متی ۲۴: ۵؛ ۱۱). من معتقدم ما در دورانی به سر می‌بریم که کتاب مقدس آن را «آخرالزمان» می‌نامد و یکی از ویژگی‌های این زمان، فریب توسط نیروهای شیطانی است:

روح صریحاً می‌گوید که در زمان‌های آخر برخی ایمان را ترک خواهند کرد و از ارواح فریب‌دهنده و چیزهایی که شیاطین تعلیم می‌دهند، پیروی خواهند کرد (اول تیموتائوس ۴: ۱؛ تأکید از ماست).

قطعاً هیچ‌کس مستقیماً شیطانی را در حال تعلیم نشنیده است، اما این ارواح پلید افکار خود را در ذهن کسانی که در معرض تأثیر شیطانی هستند القا می‌کنند، صرف‌نظر از اینکه آیا آنها آن را به عنوان چنین چیزی تشخیص می‌دهند یا خیر. چگونه می‌توان تشخیص داد که آیا تعلیم از منابع شیطانی سرچشمه می‌گیرند؟ کتاب مقدس ما را راهنمایی می‌کند که همه چیز را بر اساس کلام مکتوب خدا قضاوت کنیم: «به قانون و شهادت رجوع کنید! اگر مطابق این کلام سخن نگویند، نور سپیده‌دم ندارند» (اشعیا ۸: ۲۰). هنگامی که تعلیم در زمینه مناسب خود با کلام خدا سازگار باشند، می‌توان به سخنان گوینده اعتماد کرد و روح القدس را دعوت کرد تا با شما سخن بگوید.

فریب تنها زمانی مؤثر است که ندانید در حال فریب خوردن هستید. امروزه چه باورهای فرهنگی ظریف و دنیوی وجود دارند که با کتاب مقدس در تضادند اما حتی در درون کلیسا به طور گسترده پذیرفته شده‌اند؟ چگونه می‌توانیم قضاوت بهتر و دقیق‌تری را پرورش دهیم؟

شناسایی تاکتیک‌های دشمن

همانند یک کلاهبردار ماهر، شیطان برنامه‌ریزی و نقشه کشیده است تا هر چه بیشتر مردم را از خدا جدا کند. ما باید از استراتژی‌های او آگاه باشیم:

«اگر شما کسی را ببخشید، من نیز او را می‌بخشم. و آنچه را که من بخشیده‌ام—اگر چیزی برای بخشیدن بود—در حضور مسیح به خاطر شما بخشیده‌ام، تا شیطان ما را فریب ندهد. زیرا ما از حيله‌های او بی‌خبر نیستیم (دوم قرنیتان ۱۰: ۲-۱۱).

این بخش به موضوع بخشش یک مؤمن پس از انضباط توسط کلیسای کورینت به خاطر گناه می‌پردازد. اکنون که آن فرد توبه کرده است، پولس به کلیسا توصیه می‌کند که او را ببخشد و به جمع خود بازگرداند، تا شیطان نتواند از این موقعیت سوءاستفاده

کند یا با ترفندهای هوشمندانه، بر مردم خدا چیره شود. بخشش نکردن و کینه می‌تواند به تلخی روحانی‌ای تبدیل شود که به کلیسا آسیب می‌رساند. شیطان آگاه است که چگونه بخشش نکردن می‌تواند مانعی بین انسان و خدا ایجاد کند و اغلب از طریق این دیوار برای جدا کردن مردم تلاش می‌کند. عیسی هشدار داد که برای دریافت بخشش پدر، باید دیگران را ببخشیم. «اما اگر شما گناهان مردم را نبخشید، پدر شما نیز گناهان شما را نخواهد بخشید» (متی ۶: ۱۵).

باید اعتراف کنم که زمان‌هایی بوده که در مسیر مسیحی‌ام از تاکتیک‌های شیطان بی‌خبر بوده‌ام، و شما نیز ممکن است چنین لحظاتی را تجربه کرده باشید. شیطان از طرح‌ها و استراتژی‌های مختلفی برای ایجاد جایگاهی در زندگی ما استفاده می‌کند و به تدریج ذهن و قلب ما را فاسد می‌سازد. این کار اغلب با یک گناه کوچک آغاز می‌شود، اما او به همان‌جا بسنده نمی‌کند. او از طریق گناهان انکارشده - حوزه‌هایی که در آن با اراده خدا مخالفت می‌کنیم - راهی برای ورود می‌جوید. این امر ممکن است با یک گناه کوچک آغاز شود، اما او به همان‌جا بسنده نمی‌کند.

همان‌طور که مارکوس آنورلیوس گفت: «زندگی انسان همان است که افکارش آن را می‌سازد.» اگر مراقب زندگی فکری خود باشیم، روحمان شکوفا خواهد شد. افکار غالب شما—صرف‌نظر از منشأ آن‌ها—راهنمای اعمال فوری شما هستند. یک فکر بکار، تا یک عمل درو کنی؛ یک عمل بکار، تا یک عادت درو کنی؛ یک عادت بکار، تا یک شخصیت درو کنی؛ یک شخصیت بکار، تا یک سرنوشت درو کنی. افکار خوب، اگر اجازه دهید ریشه بدوانند، به عادات خوب تبدیل شده و آرامش را به روح شما خواهند آورد.

حراست از ذهن: میدان نبرد افکار

کنترل زندگی فکری ما برای غلبه بر وسوسه ضروری است. نبرد در افکار ما آغاز می‌شود. جریان مداوم افکار بد، در صورتی که نادیده گرفته شوند، به چالش کشیده نشوند یا با آنها برخورد نشود، به عادت‌هایی تبدیل خواهند شد که می‌توانند نیروهای شیطانی نادیده‌ای را که در تلاش برای اسیر کردن و بالقوه نابود کردن زندگی شما هستند، قدرتمند سازند. هرگاه کسی به گناه تن دهد، به ارواح شیطانی قدرت و قلمرو کنترل و دستکاری را می‌بخشد. گویی ما به ارواح شیطانی «غذایی» می‌دهیم تا بخورند و قوی‌تر شوند. «خویش‌دار و هوشیار باشید. دشمن شما، شیطان، چون شیر غرنده می‌گردد و می‌گردد تا کسی را بلعد» (اول پطرس ۵: ۸).

«چمباتمه زدن» به چه معناست؟ این تصویر، شیری را به تصویر می‌کشد که شاید نامرئی است، در سایه‌ها پنهان شده، به جلو و عقب حرکت می‌کند و چشمانش به طعمه‌اش دوخته است و به دنبال لحظه مناسب و نقطه‌ضعف برای حمله می‌گردد. واژه یونانی که در بالا به «بلعیدن» ترجمه شده است، به معنای «نوشیدن، قورت دادن کامل و فرو بردن» است. سی. اس. لوئیس، در روایت داستانی خود درباره شیاطین پیر به نام اسکروتپ که به خواهرزاده خود ورموود آموزش می‌دهد تا ذهن، اراده و احساسات مسیحیان را تضعیف کند، می‌نویسد:

برای ما، انسان عمدتاً غذاست؛ هدف ما جذب اراده او در اراده خودمان و گسترش قلمرو وجودی خود به هزینه اوست.^۱

شیاطین خود را بر روی زمین از طریق افرادی که در برابر وسوسه‌هایشان تسلیم می‌شوند، ابراز می‌نمایند. هرچه فردی بیشتر از دستور یا فرمان یک فکر شریر از جانب شیاطین پیروی کند، تسلط آنها بر آن فرد قوی‌تر می‌شود.

موسی به قوم اسرائیل هشدار داد که اگر از فرمان‌های خدا منحرف شوند، فساد اخلاقی‌شان توسط خدا تنبیه خواهد شد (تثنیه ۱: ۴-۶). رهبران مذهبی، فریسیان، تعلیم می‌دادند که فساد را می‌توان با پایبندی سخت‌گیرانه به قوانین اضافی پاکیزگی، از جمله آیین‌های مفصل شستن دست پیش از غذا خوردن، و با نمایش افتخارآمیز پاکی و خودبرتربینی‌شان برای اجتناب از هر چیزی که ممکن است آنها را نجس و فاسد کند، پیشگیری کرد (مرقس ۷: ۱-۵). اما عیسی درباره آنچه واقعاً انسان را نجس می‌کند سخن گفت و گفت:

^۱ سی. اس. لوئیس، نامه‌های اسکروتپ، هارپرز انفرانسیسکو، زوندروان، صفحه ۳۸.

^{۱۴} بار دیگر عیسی مردم را فراخواند و گفت: «همه به من گوش دهید و این را بفهمید. ^{۱۵} هیچ چیز از بیرون انسان وارد او نمی‌شود که او را «ناپاک» کند. بلکه آنچه از انسان بیرون می‌آید، او را «ناپاک» می‌کند.» ^{۱۶} پس از آنکه از میان مردم رفت و وارد خانه شد، شاگردانش درباره این تمثیل از او پرسیدند. ^{۱۸} او پرسید: «ایا شما هم اینقدر کمفهم هستید؟ مگر نمی‌بینید که هیچ چیزی که از بیرون وارد انسان می‌شود، نمی‌تواند او را «ناپاک» کند؟ ^{۱۹} زیرا آن [خوراکی] وارد دل او نمی‌شود، بلکه به شکمش می‌رود و سپس از بدنش خارج می‌شود.» (عیسی با این سخن، همه غذاها را «پاک» اعلام کرد.) ^{۲۰} او ادامه داد: «آنچه از انسان خارج می‌شود، او را «ناپاک» می‌کند. ^{۲۱} زیرا از درون، از دل انسان‌ها، افکار بد، فحشا، دزدی، قتل، زنا، ^{۲۲} طمع، بدخواهی، فریب، بی‌عفتی، حسادت، تهمت، تکبر و حماقت بیرون می‌آید. ^{۲۳} همه این بدی‌ها از درون می‌آیند و انسان را «ناپاک» می‌کنند.» (مرقس ۷: ۱۴-۲۳، تأکید از ماست).

یکی از راه‌های کلیدی که شیطان و شیاطینش بر فرد تأثیر می‌گذارند، کاشتن افکار در ذهن اوست که سپس بر احساسات و اراده‌اش تأثیر می‌گذارد. ذهن شما مانند زمینی حاصلخیز عمل می‌کند که بذر افکار را از سه منبع اصلی دریافت می‌کند: خدا، شیطان و روح شما — خود حقیقی که در بدن شما ساکن است (دوم قرنیتان ۵: ۴). کسانی که گرایش به خودکشی دارند ممکن است تحت ستم شیاطین باشند. دشمن هدفش کشتن، دزدیدن و نابود کردن است، اما عیسی فرمود که او آمد تا ما زندگی و آن را به وفور داشته باشیم (یوحنا ۱۰: ۱۰). شیطان سعی می‌کند فرد را متقاعد کند که هیچ امیدی وجود ندارد و او را به خودپراوری ترغیب، فریب یا تحت فشار قرار می‌دهد. البته، شیاطین به نابودی صرف افراد اکتفا نمی‌کنند؛ آنها شخصیت خود را با استفاده از مردم به عنوان ابزار، «غذای» خود، یا برای ایجاد یک پایگاه یا جایگاه در زندگی‌شان ابراز می‌کنند.

در این مورد، پولس رسول می‌گوید: «به خشم آمیدید و گناه نکنید؛ آفتاب بر شما نغلتد در حالی که هنوز خشمگین هستید، و جای پا به شیطان ندهید» (افسیان ۴: ۲۶-۲۷). او توضیح می‌دهد که کینه یا عدم بخشش، قلمرو و نفوذ را به شیطان می‌بخشد. در ابتدا، یک پایگاه ایجاد می‌کند، اما اگر از طریق اعتراف، توبه و بخشش کنترل نشود، می‌تواند به یک دژ مستحکم تبدیل شود که گویی قدرت خود را دارد. اصطلاح انگلیسی «foothold» (پایگاه)، که از واژه یونانی «topos» به معنای «جایگاه» گرفته شده است، همچنین نماد این است که اگر خشم ما به کینه، تلخی یا گناهان دیگر تبدیل شود، ممکن است به شیطان فرصتی برای پیشروی در زندگی‌مان بدهیم. به یاد داشته باشید، عیسی به دشمنان خود هشدار داد: «به راستی راستی به شما می‌گویم، هر که گناه کند، برده گناه است» (یوحنا ۸: ۳۴)، بنابراین ما باید از به دست آوردن قلمرو توسط دشمن جلوگیری کرده و از برده شدن به گناه پر هیز کنیم.

به مرقس ۷: ۱۴-۲۳ نگاه کنید. عیسی می‌گوید که ناپاکی از درون شروع می‌شود، با این حال پولس در افسسیان ۴ هشدار می‌دهد که به شیطان «پایگاهی» بیرونی ندهیم. چگونه احساسات درونی حل‌نشده ما (مانند خشم ماندگار یا گناه اعتراف‌نشده) در را برای حملات روحانی بیرونی باز می‌کند؟

۵ مرحله اسارت روحانی و آزار و اذیت شیطانی

۱) راه نفوذ: مقاومت در برابر طعمه.

شیاطین با وسوسه کردن مردم آن‌ها را فریب می‌دهند و امیدوارند که طعمه را بپذیرند. طعمه، وسوسه‌ای برای انجام کارهایی است که معمولاً انجام نمی‌دهیم و وعده پاداشی را می‌دهد که برای طبیعت انسانی ما جذاب است. چیزی که یک نفر را وسوسه می‌کند ممکن است دیگری را وسوسه نکند. شیاطین از قلمرو نامرئی نظاره می‌کنند تا ببینند کدام ضعف‌ها می‌توانند ما را به خود جذب کنند و سپس موقعیت را دستکاری می‌کنند تا آن پاداش را به ما عرضه کنند. می‌توان در برابر وسوسه مقاومت کرد و آن را رد نمود. عدم مقاومت، به دشمن راهی برای نفوذ می‌دهد تا حمله‌اش به روح ما را تقویت کند. شیاطین اغلب منتظر می‌مانند تا عادت‌های شکل بگیرد، اما آن نشنگی یا رضایت مورد انتظار را به همراه ندارد. ما باید نقاط ضعف فردی خود را بشناسیم. یعقوب ما را در مورد طعمه‌های دشمن هشدار می‌دهد.

هیچ کس وقتی وسوسه می‌شود نگویید: «خداوند مرا وسوسه می‌کند»، زیرا خدا با شرّ آزموده نمی‌شود و خود او نیز هیچ کس را نمی‌آزماید. بلکه هر کس وقتی از هوس خود فریفته و اغوا می‌شود، وسوسه می‌گردد. سپس هوس، وقتی باردار شود، گناه را به دنیا می‌آورد و گناه، وقتی به کمال برسد، مرگ را پدید می‌آورد. (یعقوب ۱: ۱۳-۱۵).

استفاده یعقوب از کلمه «طعمه» جالب توجه است. همان‌طور که یک ماهی‌گیر برای صید ماهی‌های خاص طعمه‌های متفاوتی را انتخاب می‌کند، برخی وسوسه‌ها بسته به نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های افراد، اثربخش‌تر هستند. آگاه بودن از آسیب‌پذیری‌های خود و شفاف بودن با خدا و دیگران، در مقاومت در برابر وسوسه، به‌ویژه زمانی که از تمایلات یا ضعف‌های خودمان نشأت می‌گیرد، امری حیاتی است. هدایای نیک از جانب خدا هرگز «قلاب» ندارند؛ او تنها آنچه را که واقعاً نیک است می‌بخشد. برعکس، وسوسه‌هایی که دشمن ارائه می‌دهد اغلب تقلیدهای بی‌ارزشی هستند که هرگز واقعاً رضایت‌بخش نخواهند بود.

اغلب، یک شخص تا زمانی که دشمن با اتهامات گناه و شرم، موفقیت خود را در فریب دادن شما دنبال نکند، متوجه نمی‌شود که تحت حمله روحانی شیطان قرار دارد. وقتی تحت حمله روحانی و وسوسه قرار می‌گیرم، گاهی اوقات خودم را تصور می‌کنم که شیطان را به انتهای یک اسکله می‌برم و او را به دریا پرتاب می‌کنم! در مواقع دیگر، فقط می‌گویم: «از اینجا گمشو، شیطان.» من این کار را فقط وقتی انجام می‌دهم که تنها هستم؛ نمی‌خواهم مردم فکر کنند که دیوانه هستم! وقتی در کنار دیگران هستم و یک فکر وسوسه‌انگیز به ذهنم خطور می‌کند، تصور می‌کنم که آن فکر را از هوا می‌گیرم و به زمین می‌اندازم. از هر استراتژی‌ای که به شما در مقاومت در برابر وسوسه کمک می‌کند، استفاده کنید! ذهن خود را با چیزهای خوب پر کنید، و خواهید دید که این کار نیز قدرت وسوسه را می‌شکند، زیرا چنین «خاک خوب»ی در افکارتان وجود ندارد.

در پایان، برادران، هرچه راست است، هرچه شریف است، هرچه درست است، هرچه پاک است، هرچه دوست‌داشتنی است، هرچه ستودنی است، اگر چیزی عالی یا شایسته ستایش است، در آن چیزها بیندیشید (فیلیپیان ۴: ۸).

۲) دستکاری: شکل‌گیری عادات

در این مرحله، شیاطین جای پای خود را محکم می‌کنند و آن را به یک زانویند در دروازه روح شما تبدیل می‌کنند. در هنوز به کنترل شیطانی باز نشده است، اما اگر این دام مهار، توبه، انکار، بخشش و ترک نشود، مقاومت در برابر آن به طور فزاینده‌ای دشوارتر می‌شود. این دام ممکن است اعتیاد به الکل، مواد مخدر، پورنوگرافی یا غرور باشد—هر چه که باشد! اگر در تاریکی گام بردارید و از صدای شیطان اطاعت کنید، عادات در راستای وسوسه‌ای که به آن تسلیم می‌شوید شکل می‌گیرند. عادت چیست؟ عادت یک واکنش خودکار به یک موقعیت خاص، یک گرایش تثبیت‌شده یا منظم، یا یک کاری است که ترک آن دشوار است. هنگامی که دشمن ما را به این شکل دستکاری می‌کند و ما تسلیم می‌شویم، اراده ما توسط نیروهای تاریک و شرور شکل می‌گیرد و گفتن «نه» را دشوار می‌سازد.

۳) ستم: افکار سنگین و ناامیدی

اگر فردی افکار و تصورات ذهنی را که می‌دانیم گناه‌آلود هستند، از بین نبرد، دشمن تا حدی بر ما تسلط می‌یابد. هر کسی را که برای اطاعت انتخاب کنیم، بر زندگی ما حکومت خواهد کرد: «آیا نمی‌دانید که هرگاه خود را به عنوان بردگان مطیع به کسی تقدیم می‌کنید، بردگان کسی هستید که از او اطاعت می‌کنید—چه بردگان گناه که به مرگ می‌انجامد، و چه بردگان اطاعت که به پارسایی می‌انجامد؟» (رومیان ۶: ۱۶). گناه می‌خواهد ما را به صورت خود درآورد و ما را شبیه کسی سازد که به او گوش می‌دهیم و از او اطاعت می‌کنیم (پیدایش ۴: ۷). یک فرد تحت ستم اغلب افکار منفی و اجباری را تجربه می‌کند که او را به دنبال کردن مسیر خاصی از گناه و ایده‌های وسواسی‌تر وامی‌دارند.

۴) وسواس: از دست دادن آرامش و عقل

در این سطح از حمله روحانی، فرد برده عادات گناه‌آلود و کنترل شیاطین می‌شود. وقتی به این نقطه می‌رسند، برای اطرافیان‌شان قابل توجه است. آنها اغلب عجیب، غریب یا به سادگی متفاوت به نظر می‌رسند. یک مؤمن ممکن است حس کند که فردی در این مرحله وسواس، کاملاً در حال و هوای خود نیست اما شاید نتواند دقیقاً آن را تشخیص دهد. یک مؤمن بالغ‌تر به سرعت تشخیص می‌دهد که چه چیزی شیطانی است. هنگامی که یک شخص تا این حد تسخیر می‌شود، اغلب در سلامت عقل و توانایی استدلال او اختلال ایجاد می‌شود. شیاطین کنترل کافی را اعمال می‌کنند که افکاری مبنی بر آسیب رساندن به دیگران و به خود به ذهن متبادر می‌شود. کسانی که می‌خواهند خودکشی کنند اغلب در این مرحله هستند، که تحت تأثیر

احساس گناه و افکار شوم قرار دارند و نمی‌توانند آرامش درونی خود را بیابند. گاهی اوقات، عدم تعادل‌های شیمیایی در کنار مسائل همپوشان جسمی، روانی و معنوی در کار هستند. با این حال، همیشه امید وجود دارد زیرا عیسی آمد تا رهایی را برای تمام وجود ما: جسم، جان و روح به ارمغان بیاورد.

۵) تسخیر شیطانی: واگذاری کامل کنترل

شیاطینی که لژیون نام داشتند و در بدن مرد جن‌زده گادارنی ساکن بودند، او را به این سطح از تسخیر شیطانی رساندند. آن مرد شبانه‌روز در قبرستان با عذاب و شکنجه‌ای که شیاطین بر او تحمیل می‌کردند، فریاد می‌زد (مرقس ۵: ۱-۲۰). هنگامی که گناه ابراز می‌شود و اجازه داده می‌شود که روح را تا این حد فاسد کند، دشمن چنان کنترلی به دست می‌آورد که گاهی اوقات روح فرد کنار گذاشته شده و کاملاً نادیده گرفته می‌شود. هنگامی که چنین پدیده‌ای رخ می‌دهد، فرد تسخیر شده ممکن است خود را در حالتی شبیه به رؤیا بیابد. مواد مخدر نیز می‌توانند فرد را به این نقطه برسانند.

افرادی که تا این حد تسخیر شده‌اند، اغلب گزارش می‌دهند که صداها می‌شنوند، هرچند در به اشتراک گذاشتن این موضوع با یک مشاور مردد هستند. داستان پسری را به یاد داشته باشید که پدرش به عیسی گفت که او اغلب «در آتش و در آب می‌افتد» (متی ۱۷: ۱۶). یک دژ مستحکم از کنترل شیاطین اغلب در پی آن است که فرد را به خودکشی وادارد. در این مرحله، شیاطین اغلب ادعا می‌کنند که فرد «مبتلا به وسوسه» (متی ۱۷: ۱۶) متعلق به آنهاست. من معتقدم هیچ‌کس هرگز آن قدر تحت سلطه شیطان نیست که نتواند به سوی مسیح آورده شود و به سلامت کامل روحی و جسمی بازگردد.

در اسارت به شیطان و شیاطین درجات مختلفی وجود دارد، با این حال هر کسی روی زمین می‌تواند برای رهایی بر نام خداوند تکیه کند. من معتقدم کسانی که در مراحل اولیه تسخیر شدن توسط شیاطین هستند، می‌توانند افکار بد، وسوسه‌ها و عادات را از خود دور کنند. پیامبر اشعیا می‌گوید: «گرد و غبار خود را بتکان؛ برخیز و بنشین ای اورشلیم. خودت را از زنجیرهای گردنت رها ساز، ای دختر اسیر صهیون» (اشعیا ۵۲: ۲). من معتقدم که رهایی در هر مرحله‌ای ممکن است، هرچند با افزایش کنترل دشمن، اغلب چالش‌برانگیزتر می‌شود. اگر شخصی در مراحل بعدی تسخیر توسط شیاطین باشد، بهتر است به دنبال یک تیم آموزش‌دیده از مسیحیان بالغ برای دعا جهت رهایی باشد. کتاب مقدس هرگز خالی از امید نیست: «و هر کس که به نام خداوند فریاد برده باشد، نجات خواهد یافت» (اعمال رسولان ۲: ۲۱). این واژه، «نجات»، کلمه یونانی Sōzō است. معنای آن در امان بودن، رهایی، تمام و کمال شدن، و مصون ماندن از خطر، زیان یا نابودی است.

اگر احساس می‌کنید که شما یا یکی از عزیزانتان تحت ستم شیطانی قرار دارید، هرگز از کمک بی‌بهره نیستید! صمیمانه و فوراً به نام خداوند فریاد برآورید و هر چیزی را که شما یا آنها را در چنین وضعیتی قرار داده است، کنار بگذارید. هر چیز جادویی را از خانه‌تان دور کنید، از جمله کتاب‌ها، موسیقی، تصاویر، بازی‌ها و ویدیوها. از هر عمل تاریکی که به دشمن اجازه داده است در زندگی شما قلمرو پیدا کند، دست بردارید. توبه کنید و برای خدا بهانه نیاورید («توبه» به معنای تغییر فکر در مورد گناه خود، بازگشتن و زندگی کردن در مسیر مسیح است). از مسیح بخواهید هر آنچه بر روح شما سنگینی می‌کند را ببخشد. اگر شخصی برای رهایی از ستم فریاد برآورد، خدا می‌تواند هر یوغ اسار را بشکند (اشعیا ۵۸: ۶).

بررسی پنج درجه اسارت (پایگاه، دستکاری، ستم، وسواس، شیطانی‌سازی): چرا نادیده گرفتن مرحله «پایگاه» خطرناک است؟ اگر مایل به اشتراک‌گذاری هستید، چه استراتژی عملی یا تکنیک ثبت افکاری به شما یا کسی که می‌شناسید کمک کرده است تا یک وسوسه را در مرحله اول متوقف کند؟

مطالعه موردی: چگونه شیطان از مردم به عنوان ابزار استفاده می‌کند

کتاب مقدس نمونه‌های بسیاری از استفاده دشمن از افراد به عنوان ابزار ارائه می‌دهد. ما پیش از این تلاش شیطان را از طریق حواری پطرس برای منحرف کردن مسیح از راه صلیب بررسی کرده‌ایم. در آن زمان، پطرس نمی‌دانست چه کسی پشت سخنانش قرار داشت. عیسی به روحی که از طریق پطرس سخن می‌گفت، خطاب کرد و گفت: «از من دور شو، شیطان» (متی ۱۶: ۲۳). یهو نمونه‌ای عالی از کسی است که به عنوان ابزاری برای فعالیت‌های شیطانی به کار گرفته شد. گناهی که بر او غلبه کرد، حرص و طمع بود:

یهودا این را نگفت زیرا به فقرا اهمیت می‌داد، بلکه به این دلیل که دزد بود؛ او به عنوان نگهبان کیسه پول، از پول‌های داخل آن برای خود برمی‌داشت (یوحنا ۶: ۱۲).

در مورد یهودا، شیاطین تنها نیاز داشتند که به مرور زمان دلایل کافی برای فاسد کردن تدریجی قلب و ذهن او فراهم کنند. این فرآیند در نهایت راهی را برای ورود شیطان به او و وادار کردنش به خیانت به استادش باز کرد. یهودا شواهد فراوانی داشت که باور کند عیسی مسیح است، با این حال، او دلش را سخت کرد و از ایمان آوردن خودداری نمود. حتی پس از سه سال همراهی با عیسی در خدمت، او همچنان بی‌ایمان باقی ماند: «اما بعضی از شما ایمان ندارند.» زیرا عیسی از ابتدا می‌دانست کدام یک از آنها ایمان ندارند و چه کسی او را خواهد فروخت (یوحنا ۶: ۶۴). کتاب مقدس نشان می‌دهد که شیطان وارد او شد.

۲ و کاهنان ارشد و آموزگاران شریعت به دنبال راهی بودند تا عیسی را از میان بردارند، زیرا از مردم می‌ترسیدند. ۳ آنگاه شیطان وارد یهودا شد، که اسخریوطی نام داشت، یکی از دوازده حواری. ۴ و یهودا نزد کاهنان ارشد و افسران نگهبان معبد رفت و با آنها مشورت کرد که چگونه می‌تواند عیسی را به آنها تسلیم کند (لوقا ۲۲: ۲-۴).

هنگامی که عمل خیانت به پایان رسید و یهودا دید که چگونه فریب خورده و به ابزاری برای شیطان تبدیل شده است، تنها کاری که دشمن باید انجام می‌داد این بود که القا کند که یهودا دیگر قابل بخشش نیست. او احتمالاً پس از فروختن عیسی به دشمنانش، افکار آزاردنده‌ای داشت—افکاری که او را به خودکشی سوق داد. ما نمی‌دانیم که یudas تا چه حد شیطانی شد یا اینکه آیا شیطان برای استفاده از او به صورت یک رویداد یکباره وارد او شد یا خیر. با این حال، به نظر می‌رسد که دشمن به احتمال زیاد از طریق عشق یudas به پول و فریبی که همراه با دزدیدن از کیسه پول بود، وارد او شد (یوحنا ۶: ۱۲). او قلب و اراده خود را بر گناه متمرکز کرد، هرچند که شاهد بود که عیسی از افکار مردم آگاه است.

یهودا عمداً راه گناه را برگزید و مسیح اراده آزاد انسان را نقض نمی‌کند. اینکه او در نزدیکی زندگی عیسی بود اما همچنان کافر ماند، نشان‌دهنده سخت‌دلی عمیق اوست. آیا آخرین عمل او در پایان دادن به زندگی‌اش ناشی از پشیمانی، ندامت یا صرفاً ناامیدی بود؟ ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم، اما از زندگی او مشخص بود که مؤمن نبود. به نظر می‌رسد پس از آنکه شیطان کار خود را با او تمام کرد، او را مانند ابزاری که به هدف خود رسیده بود، دور انداخت و این امر او را به پایان دادن به زندگی‌اش سوق داد (متی ۵: ۲۷). اگر برده گناه باشید، در معرض ستم قرار می‌گیرید، و اراده‌ای لجباز و مقاوم در برابر خدا در نهایت به فاجعه منجر می‌شود (امثال ۱: ۲۹).

چگونه بین وجدان‌گردانی روح القدس و اتهام/محکومیت شیطان تمایز قائل شوید؟ نتایج یا میوه‌های کاملاً متفاوت آن دو صدا در زندگی یک شخص چیست؟

وقتی روح القدس مرا از گناه آگاه می‌سازد، این صدای ملایمی است که باید به آن توجه کنم. او فکری را به ذهنم می‌اندازد که مرا از آنچه مانع پیشرفتم با او می‌شود، آگاه می‌سازد. این احساس گناه هیچ ربطی به محبت او نسبت به من ندارد، زیرا محبت او همواره ثابت است. این کاملاً به اثربخشی من و توانایی‌ام برای باقی ماندن با مسیح و لذت بردن از زندگی پربهرکتی که او فراهم می‌کند، مربوط می‌شود. محکومیت روح القدس، روشنایی یا نوری را به زندگی و مسیر من می‌آورد، به چیزی مشخص اشاره می‌کند و به من این امکان را می‌دهد که در آن موضوع با او هم‌صدا شوم تا بتوانم به پیش بروم. اتهام دشمن به احساس گناهی مداوم و آزاردنده منجر می‌شود که بر جان سنگینی می‌کند. این احساس گناه جز اینکه مانع سفر من شود، هیچ کار دیگری نمی‌کند و هیچ نشانه یا کمکی برای یافتن راه بخشش و احیا ارائه نمی‌دهد.

من فکر نمی‌کنم که شیطان برای اولین بار در شب شام آخر وارد زندگی یهودا شد. این امر احتمالاً در طول مدتی، شاید سال‌ها پیش از ملاقات او با مسیح، اتفاق افتاد که در طی آن، او به میل خود برای پیشروی در زندگی از راه دزدی تن داد.

بار دیگر، به اثر داستانی سی. اس. لوئیس درباره تاکتیک‌های شیطانی برای فریب انسان‌ها، با عنوان «نامه‌های اسکروتپ» اشاره می‌کنم. شیطان ارشد، اسکروتپ، به کارآموز جوانش، ورموود، راهنمایی ارائه می‌دهد:

شما خواهید گفت که این‌ها گناهان بسیار کوچکی هستند، و بی‌شک، مانند همه وسوسه‌گران جوان، مشتاقید که بتوانید از کارهای شوم و چشمگیر گزارش دهید. اما به یاد داشته باشید، تنها چیزی که اهمیت دارد، میزان جدایی شما از آن مرد از دشمن است [دشمنی که در اینجا ذکر شده، خداوندگار عیسی است]. مهم نیست گناهان چقدر کوچک هستند، مادامی که اثر تجمعی آنها این باشد که انسان را به تدریج از نور دور کرده و به سوی نیستی سوق دهد. قتل اگر ورق‌بازی کار را راه بیندازد، از ورق‌بازی بهتر نیست. در واقع، ایمن‌ترین راه به سوی جهنم، راه تدریجی است - شیب ملایمی که زیر پا نرم است، بدون پیچ‌های ناگهانی، بدون سنگ‌فرش‌ها، بدون تابلوهای راهنما.²

جنگ روحانی عملی: ۱۰ گام برای غلبه بر دشمن

(۱) **خانه‌تان را به خدا وقف کنید.** بیش از بیست سال پیش، زمانی که در انگلستان زندگی می‌کردیم، یک خانه قدیمی روستایی اجاره کردیم که قبلاً محل اقامت خدمه یک خانه بزرگ مجاور بود. در اولین شب، من و سندی مجبور شدیم جدا از هم بخوابیم زیرا فقط دو تخت یک‌نفره، در اتاق‌های مختلف، موجود بود، چون هنوز تخت دونفره خود را منتقل نکرده بودیم. در طول شب، من یک خواب زنده و ترسناک دیدم که آن را شیطانی تشخیص دادم. من فوراً با سندی که او هم بی‌قرار بود، دعا کردم و ما حضور شریر را در خانه احساس کردیم. آن شب در دعای خود اقتدار گرفتیم تا اینکه سرانجام احساس آرامش کردیم.

روز بعد، ما روغن را به عنوان نمادی برداشتیم و اتاق به اتاق خانه را گشتیم و دعا کردیم و بر هر نیروی شریر حاضر در آنجا، اقتدار خود را اعلام کردیم. ما در هر اتاق با روغن علامت صلیب را ترسیم کردیم و خانه‌مان را به پرستش خدا وقف کردیم. از آن زمان، هرگز با مشکلی مواجه نشده‌ایم و در هر خانه‌ای که به آن نقل مکان کرده‌ایم، آن را پاکسازی کرده و به عنوان یک خانواده، به پرستش و حضور خدا وقف کرده‌ایم.

(۲) **برخلاف کاری که شیطان می‌خواهد انجام دهد عمل کنید.** عیسی گفت: «دشمنان خود را دوست بدارید و برای کسانی که شما را آزار می‌دهند دعا کنید» (متی ۵: ۴۴). دشمن جان ما امیدوار است که ما با نفرت به کسانی که با ما بدرفتاری می‌کنند پاسخ دهیم، اما عیسی به ما گفت که برخلاف انتظار دشمن عمل کنیم. ما باید با یافتن راه‌های عملی برای برکت دادن به دشمنانمان، آنها را دوست بداریم.

(۳) **در میان ستم در زندگی فکری‌تان، خدا را ستایش کنید.** هرگز قدرت ستایش را در زمان‌های تاریکی دست‌کم نگیرید. هنگامی که پادشاه یهوشافاط توسط دشمنی بسیار قدرتمندتر از اسرائیل مورد حمله قرار گرفت، او به حضور خدا رفت و برای یاری‌اش التماس کرد. خداوند به او اطمینان داد که مجبور نخواهد بود در این نبرد بجنگد. استراتژی یهوشافاط، طبق دستور خداوند، این بود که گروه پرستش را به خط مقدم لشکریانش بفرستد، و دشمنان اسرائیل با یکدیگر جنگیدند (دوم تواریخ ۲۰). شیاطین نمی‌توانند استقامت کنند در برابر دعا، شفاعت و پرستش.

(۴) **وقتی شیطان گذشته شما را به یادتان می‌آورد، آینده او را به یادش بیاورید.**

(۵) **اگر ترس هرگز در شب (یا در هر زمان دیگری) به شما حمله کرد، نام عیسی را فرا بخوانید!** نام عیسی تمام اقتدار را در قلمروهای آسمانی نامرئی در اختیار دارد. اگر هرگز کابوس یا وحشت شبانه را تجربه کردید، یا در ترس یخ‌زده و ناتوان از حرکت بودید، نام عیسی را فرا بخوانید! اگر نمی‌توانید صحبت کنید، آن را در ذهن خود بگویید. «**هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت**» (رومان ۱۰: ۱۳). «...تا به نام عیسی هر زانویی در آسمان و بر زمین و زیر زمین خاضع شود» (فیلیپیان ۲: ۱۰).

(۶) **اگر ناامیدی سراغتان آمد و می‌خواست شما را در مورد وضعیتتان دلسرد کند، نعمت‌هایتان را برای خدا بشمارید.** روزهای تاریکی در زندگی ما بوده است که نمی‌دانستیم چه کار کنیم. در دوران‌های سخت، ما دریافته‌ایم که نوشتن تمام نعمت‌هایی که بابتشان شکرگزاریم، مفید است. فقط آنها را ننویسید؛ شکرگزاری خود را برای نعمت‌های زندگی‌تان به خدا ابراز کنید.

² همان، صفحه ۶۰.

(۷) روزانه بر روی کتاب مقدس تأمل کنید (فکر کنید، بیندیشید یا در آن فرو بروید). بخش‌هایی را که در کتاب مقدس با شما «صحبت» می‌کنند، علامت‌گذاری کنید. اگر برای عیسی خوب بود که در میان روزهای تاریک به کتاب مقدس استناد کند (متی ۴)، این کار برای شما نیز به همان شکل مؤثر خواهد بود.

(۸) فرزندانان را به خدا تقدیم کنید. لازم نیست این کار را در کلیسا انجام دهید، هرچند قطعاً آن را توصیه می‌کنم. می‌توانید این کار را در خلوت اتاق خوابتان و در دعایی به درگاه پدر انجام دهید. من معتقدم اصل تسلیم کردن مالکیت تمام آنچه هستیم و تمام آنچه داریم، از جمله فرزندانمان، وجود دارد. به نوعی، فکر می‌کنم این کار تلاش‌های شیطان را برای حمله به ما از طریق هدف قرار دادن خانواده‌مان تضعیف می‌کند.

(۹) اگر دشمن شما را متهم می‌کند، آن را در دعای خود به خدا ببرید. اگر گناهی در زندگی شما وجود دارد، به تخت فیض بیایید و این مسئله را در دعایی با پدر در میان بگذارید (متی ۵: ۲۵). خطاهای خود را به خدا اعتراف کنید و برای اصلاح اعمال گناه‌آلود خود گام بردارید. این کار قدرت احساس گناه را می‌شکند. سپس، به خود یادآوری کنید که در مسیح چه کسی هستید و در بخشش او شادمان باشید.

(۱۰) حساب‌های خود را با خدا تسویه کنید. عیسی تعلیم داد که هرگاه برای عبادت می‌آییم و به یاد می‌آوریم که کسی از ما دلخور است، باید هدیه خود را کنار مذبح بگذاریم، برویم و با آن شخص آشتی کنیم، و سپس بازگردیم و هدیه خود را تقدیم کنیم (متی ۵: ۲۴). توصیه می‌کنم هر شب رویدادهای آن روز را مرور کنید و از خدا بخواهید قلبتان را جستجو کند تا بتوانید خود را با او هماهنگ سازید. پادشاه داوود دعا کرد: «ای خدا، مرا بجوی و دل مرا بشناس؛ مرا بیازما و افکار پریشانم را دریاب» (مزمور ۱۳۹: ۲۳). همچنین ممکن است لازم باشد به مسائلی با شخص دیگری رسیدگی کنید و برای آشتی با خدا و دیگران، برای کارهایتان جبران مافات کنید.

کاربرد در زندگی: عملی کردن این مطالعه

آگاهی از جنگ روحانی کافی نیست—ما باید آن را به طور فعال به کار ببریم تا آزادی روحانی خود را حفظ کنیم. این هفته، یکی از سه کاربرد عملی زیر را برای به کار بستن این آموزش در زندگی روزمره خود انتخاب کنید:

- **بازبینی ذهن:** این هفته، هر بار که یک فکر منفی، نگران‌کننده، تلخ یا ترسناک به ذهنتان خطور کرد، مکث کنید و از خودتان بپرسید: «آیا این فکر از جانب خدا، نفس خورم یا دشمن است؟» اگر با فیلیپیان ۴: ۸ همخوانی ندارد، آگاهانه آن را از بین ببرید و برای جایگزینی آن، یک حقیقت از کتاب مقدس را با صدای بلند بگویید.
- **پاکسازی روحانی خانه:** این هفته یک شب مشخص را به این اختصاص دهید که در خانه خود، اتاق به اتاق، قدم بزنید. هر چیزی را که ممکن است حامل نفوذ روحانی غیرالهی باشد (کتاب‌های جادویی، رسانه‌های غیراخلاقی، یا وسایلی که به عادات گناه‌آلود گذشته مربوط هستند) پاکسازی کنید. بر سر هر اتاق با صدای بلند دعا کنید، از روغن به عنوان یک نقطه تماس نمادین استفاده کنید، و خانه خود را کاملاً به حضور و حفاظت خداوندگار ما عیسی مسیح تقدیم کنید.
- **گام آشتی:** آیا یک کدورت حل‌نشده در زندگی شما جای پای باز کرده است؟ نگذارید آفتاب دیگری بر غضب شما غروب کند. نام کسی را که باید او را ببخشید یا از او طلب بخشش کنید بنویسید و این هفته تماس بگیرید یا پیام بفرستید تا در توطئه‌های شیطان را ببندید.

^{۲۴} حال آن کس را که می‌تواند شما را از لغزش نگاه دارد و با شادمانی فراوان در حضور جلال خویش بی‌عیب و نقص شما را بپا دارد، ^{۲۵} به خدای یگانه‌ای که نجات‌دهنده ماست، از طریق خداوند ما عیسی مسیح، جلال و عظمت و سلطنت و اقتدار، پیش از همه زمان‌ها و اکنون و تا ابدالابد. آمین (یهودا ۲: ۲۴-۲۵).

دعا: ای پدر، از تو برای تمام برکاتی که از طریق صلیب مسیح به ما رسیده است سپاسگزاریم. از اینکه هستی آنی که هستی - پدر نورها، تغییرناپذیر و همواره کلمات حیات را به ما عرضه می‌داری - سپاسگزاریم. همچنین از تو سپاسگزاریم که می‌توانی ما را از سقوط محافظت کرده و بی‌عیب و نقص در پیشگاه تخت باشکوهت حاضر سازی. آمین!

کیت توماس

وبسایت: www.groupbiblestudy.com

ایمیل: keiththomas@groupbiblestudy.com

یوتیوب: <https://www.youtube.com/@keiththomas7/videos>